

## تاریخ مبانی حاکمیت و تحقیقات استقرار دولت (با تأکید بر دولت مستقر در عصر صفوی)

نویسندگان: مریم رضایی (ایران)<sup>۱</sup>، حسین دوستی مقدم (ایران)<sup>۲</sup>، دکتر رأفت الأسدی (عراق)<sup>۳</sup>

بذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱

### چکیده

حاکمیت قدرتی است که نظم حقوقی از آن ناشی می‌شود و مشروط به هنجارهای خارجی یا هیچ پیش‌هنجاری نیست و قدرتی بالاتر از آن وجود ندارد؛ هم‌چنین حاکمیت به دولت موجودیت می‌بخشد و از آن تفکیک‌ناپذیر است. حاکمیت داخلی شامل اختیارات دولت است که برای اداره هیئت سیاسی کشور و اعمال قدرت در جهت پیگیری منافع و امور اتباع و شهروندان به کار گرفته می‌شود و از طرف دیگر، حاکمیت خارجی مستلزم نفی هرگونه وابستگی یا تبعیت در مقابل دولت‌های دیگر است؛ دو گونه از حاکمیت که در صورت شکل گرفتن نظام سیاسی هر جامعه‌ای حول آن، می‌توان تحقق حاکمیت عینی آن جامعه را انتظار داشت. در این میان، عصر صفویه و دولت صفویان به مثابه بخشی از تاریخ و تمدن چندین هزار ساله ایرانیان، برای رسیدن به مقصود تحقق حاکمیت می‌تواند مطمح نظر و مطالعه موردی پژوهشگران قرار بگیرد؛ حاکمیتی که خود را فرستاده خدا می‌دانست و در جهت استیلابخشی و بسط قلمرو و گستره تحت نفوذ خود، تلاش فراوانی داشت. تلقی مرتبط دانستن این دولت با محاسبات فرامادی که مدنظر حاکمان صفوی بود، نزد گروهی از متشرعین و سرآمدان آن عصر نیز استوار شد؛ چرا که با شکل‌گیری و استقرار این دولت، بارقه امیدی برای رسیدن به مقصود و تثبیت موقعیت مذهبی در ایران آن سامان مشروعیت می‌یافت که حاکی از حمایت دو طرفه میان این گروه از سرآمدان و متنفذان و حاکمان

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان،

زاهدان، ایران، [maryam275266@yahoo.com](mailto:maryam275266@yahoo.com)

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، گرایش برنامه‌ریزی منطقه‌ای، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری،

دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، [h.doostizabole@gmail.com](mailto:h.doostizabole@gmail.com)

۳. دکترای تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلیا، نجف اشرف، عراق،

[Iasad8370@gmail.com](mailto:Iasad8370@gmail.com)

صفوی است؛ لذا این گروه به یاری حکومت پرداختند و صفویان نیز بر اساس برداشت خود از دین و مذهب عمل نمودند. با این تبیین، در پژوهش حاضر با بررسی تاریخ مبانی حاکمیت و استقرار دولت، حکومت صفویان به مثابه مطالعه موردی و با استفاده از سیر تطورات تاریخی ذیل روش تحقیق کیفی بررسی و تحلیل شد.

**واژگان کلیدی:** دولت، حاکمیت، مشروعیت، قدرت، صفویه

#### مقدمه

در زمینه نقش جنبش‌های شیعی در استقرار دولت صفوی تاکنون، تحقیقاتی به صورت پراکنده در منابع مختلف صورت گرفته و تحقیقی جامع و منسجم راجع به این موضوع گزارش نشده است. در این فصل، ابتدا مفاهیم مورد بحث در تحقیق را توضیح داده و سپس مروری بر تحقیقات گذشته و منابع داخلی و خارجی صورت گرفته است.

حاکمیت، قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده‌ای فوق سایر اراده‌هاست. به عبارت دیگر، قدرت ناشی از آزادی و استقلال دولت-کشور است که می‌تواند با اعمال حق حاکمیت روابط خارجی و امور داخلی خود را تنظیم کند. حاکمیت، قدرتی است که نظم حقوقی از آن ناشی می‌شود و مشروط به هنجارهای خارجی یا هیچ پیش‌هنجاری نیست و قدرتی بالاتر از آن وجود ندارد. حاکمیت به دولت، موجودیت می‌بخشد و اصولاً از آن تفکیک‌ناپذیر است.

حاکمیت داخلی از جمله شامل اختیارات دولت است که برای اداره هیئت سیاسی و اعمال قدرت در جهت پیگیری منافع و امور اتباع و شهروندان به کار گرفته می‌شود. حاکمیت خارجی نیز مستلزم نفی هرگونه وابستگی یا تبعیت در مقابل دولت‌های دیگر است. حاکمیت به وسیله حقوق بین‌الملل محدود می‌شود. حق حاکمیت اگر در اختیار یک فرد باشد، حکومت را مطلقه می‌کند؛ اگر در اختیار عده معدودی باشد، اولیگارش‌ی و اگر در اختیار مردم باشد، آن را دموکراسی

می‌نامند. (آقابخشی، ۱۳۸۷: ۲۶۵)

## مبانی نظری پژوهش

### ۱. حکومت

نظام اجتماعی خاص و حکومت<sup>۱</sup> که بر اساس آن، عده‌ای از افراد بشر به منظور نیل به یک سلسله هدف‌های نسبتاً مشخص با یکدیگر همکاری می‌کنند، به این معنی که تصمیماتی را اتخاذ می‌نمایند و به مرحله اجرا و عمل درمی‌آورند. اداره همچنین بیانگر روند اجرای تصمیمات و سازماندهی حکومت یک کشور است. اداره به مفهوم مادی کلمه، عبارت از مجموع فعالیت‌های پلیس اداری و خدماتی است که به وسیله حکومت یا زیر نظر او اداره می‌شود. از نظر سازمانی نیز عبارت از مجموع اشخاص حقیقی یا حقوقی است که در اجرای فعالیت‌های اداری از نظر مادی شرکت دارند. (آقابخشی، ۱۳۸۷: ۷)

### ۲. حکومت دینی

حکومت دینی<sup>۲</sup> بر سه نوع است:

- حکومتی که خداوند را فرمانروای عالی آن می‌شمارند و روحانیون را مجری اوامر الهی می‌دانند.
- حکومتی که زمامداران اصلی آن را پیشوایان دینی تشکیل می‌دهند.
- نظریه سیاسی و دینی بر اینکه حکومت دینی درست است و قانون صحیح، همان قانونی است که توسط پیامبران به مردم ابلاغ شده و خداوند واضع آن است. با توجه به این نظریه، دین و سیاست از هم جدا نمی‌باشند و باید حدود و قوانین الهی درباره مردم اجرا شود. (همان: ۳۸۸)

### ۳. حکومت شرعی

حکومت شرعی<sup>۳</sup> عبارت است از حکومتی که در آن، اختیارات اداره کشور در دست پیشوایان مذهبی و حکام شرع است. (همان: ۲۱۶)

- 
1. Administration
  2. Theocracy
  3. Licit Government

#### ۴. دولت

دولت<sup>۱</sup> دارای مفاهیم متنوعی است که به قرار زیر است:

- سازمان سیاسی جامعه که متشکل از حکومت، مردم و سرزمینی با مرزهای معین است. اگر یکی از این سه عنصر در میان نباشد، دولت به وجود نمی‌آید. حکومت، کارگزار و نمایشگر قدرت دولت و یا سازوکاری است که دولت از طریق آن عمل می‌کند. این واژه به معنی حکومت نیز به کار رفته است.
- قدرتی که از جامعه برخاسته و خود را مافوق جامعه قرار داده و دارای مفاهیم حقوقی، سیاسی و اقتصادی است و عوامل تشکیل دهنده آن عبارتند از جامعه، قلمرو حکومتی و تشکیلات حکومتی.
- نهاد سیاسی - حقوقی که در رأس هرم قدرت یک کشور جای می‌گیرد و حق انحصاری کاربرد قانونی زور را دارد.
- دولت از نظر مارکسیست‌ها، دستگاه یا ماشینی برای حفظ سیادت یک طبقه بر طبقه دیگر است. ساختمان ماشین یا دستگاه دولت مرکب است از بخش بوروکراتیک که کارمندان هستند و بخش قهری که ارتش و پلیس و دادگاه و زندان هستند و به بخش بوروکراتیک کمک می‌کند تا بتواند قوانین و مقررات به سود استثمارگران وضع و اجرا کند. نوع تاریخی دولت بر حسب آنکه کدام طبقه قدرت حاکمه را در دست دارد معین می‌شود که آن چهار نوع است: بردگی، فئودالی، سرمایه‌داری و سوسیالیستی. سه نوع اول مبتنی بر مالکیت خصوصی و بهره‌کشی است و نوع چهارم به مثابه حامکیت اکثریت خلق بر اقلیت بهره‌کش ظهور می‌کند. شکل اداره یک دولت عبارت است از ساختار، شیوه تشکیل و اختیارات عالی‌ترین مقامات دولتی. مثلاً شکل یک دولت نوع سرمایه‌داری ممکن است در یک کشور، جمهوری و در کشور دیگر سلطنتی باشد.

- واحد جغرافیایی که دارای نظم داخلی و استقلال خارجی است و برای تحصیل هدف‌های ملی، با واحدهای هم‌نظیر خود روابط متقابل برقرار می‌کند. موجودیت یک کشور بستگی به وجود جمعیت، سرزمین و دولت دارد.
- دولت به معنی ایالت به مثابه یکی از واحدهای تشکیل دهنده کشوری است که دارای حکومت فدرال است. (آقابخشی، ۱۳۸۷: ۳۷۳ و ۳۷۴)

### ۵. حاکمیت ملی

مفهوم اصلی حاکمیت ملی<sup>۱</sup> آن است که هیچ دستگاهی نمی‌تواند قدرت خود را ناشی از مرجعی غیر از ملت بداند و ملت که صاحب واقعی قدرت است، می‌تواند اجرای آن را به هر کس بخواهد تفویض کند و هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه‌ای از طبقات مردم نمی‌توانند حکومت کنند مگر اینکه به نمایندگی از طرف ملت باشد. با این حق، هر دولتی در قلمرو سیاسی و در محدوده منافع خویش کاملاً خودمختار است و به هیچ مرجع بالاتری جوابگو نیست. (همان: ۲۵۴)

### ۶. حاکم

حاکم<sup>۲</sup> یعنی شخص، رکن یا دستگاهی که حاکمیت بدان واگذار شده است. در حکومت‌های سلطنتی به شخصی اطلاق می‌شود که وظایف رئیس دولت را انجام می‌دهد. (همان: ۳۶۹)

### ۷. قلمرو حاکمیت

در مواردی که حق حاکمیت شامل صلاحیت در مورد تمامی افراد و سایر مسائل در داخل سرحدات کشور است، آن را صلاحیت سرزمینی یا قلمرو حاکمیت<sup>۳</sup> گویند. به بیان دیگر، صلاحیت دولت اولاً درباره مردمی که در سرزمین زندگی می‌کنند، ثانیاً درباره اشیا<sup>۳</sup> که در آن سرزمین یافت می‌شود و ثالثاً درباره اموری که در آن سرزمین اتفاق می‌افتد، بحث و بررسی می‌کند. (همان: ۳۸۷)

---

1. National Sovereignty  
2. Sovereign  
3. Territorial Jurisdiction

## ۸. قوم

قوم<sup>۱</sup> يك گروه انسانی- نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروهی ویژه‌ای در چهارچوب يك شاخه بزرگ نژادی برخوردار است، به قسمی که حتی از دیگر گروه‌های نژاد خود قابل تشخیص و تفکیک می‌گردد. به همین دلیل گاهی همین گروه قومی به معنای گروه ملی<sup>۲</sup> یا معادل آن در می‌آید. (آقابخشی، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

## ۹. جنبش

جنبش<sup>۳</sup>، نهضت یا حرکت، رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوامی برای رسیدن به هدف اجتماعی- سیاسی معین بر اساس نقشه مشخص است که ممکن است انقلابی و یا اصلاحی باشد. (همان: ۲۴۶)

## ۱۰. جنبش دینی

جنبش دینی<sup>۴</sup> نهضتی اجتماعی است که هدف دینی داشته باشد. (همان: ۳۳۴)

## ۱۱. سرزمین

سرزمین<sup>۵</sup> فضایی جغرافیایی است که با مرزهای معینی محدود شده و در آن قدرت و حاکمیت دولت- کشور اعمال می‌شود و بخشی از سطح کره زمین است که چهارچوب عملکرد و میدان موجودیت دولت- کشور را تشکیل می‌دهد.

سرزمین قالب فضایی لازمی است که جمعیت هر مملکت در آن استقرار می‌یابد. به زبان دیگر، جماعت انسانی به برکت سرزمین و در ارتباط با آن اسکان می‌گیرد و بر روی بخشی از خاک کره زمین مادیت و تجسد می‌یابد. مفهوم وطن از همین رابطه که بین گروه انسانی و سرزمین برقرار می‌گردد، پا به عرصه وجود می‌گذارد؛ پس برای موجودیت دولت- کشور ثبات وضعیت سرزمینی البته به گونه نسبی آن لازم است. نسبی از این جهت که این چهارچوب از حیث گسترش یا

- 
1. Ethnic
  2. National Group
  3. Movement
  4. Religious Movement
  5. Territory

محدودیت تغییر می‌یابد که تاریخ کشورها این واقعیت را به نیکی نشان داده است؛ اما به هر تقدیر عامل سرزمین برای کالبدگیری مفهوم دولت- کشور بلا تردید از ملزومات است. در ارتباط با موجودیت دولت- کشور، عامل سرزمین مورد بحث و گفتگوهای فراوانی واقع شده است که در این بخش چهار نظریه مهم به اختصار بیان می‌شود:

#### ا. سرزمین به عنوان عامل ساختی دولت

این نظریه، سرزمین را یکی از عوامل تشکیل دهنده دولت- کشور و جزو جدایی‌ناپذیر ماهیت آن می‌داند. ژلینک می‌نویسد: دولت قطعه‌ای از زمین و قطعه‌ای از بشریت است. به گمان هواداران این نظریه علاوه بر ژلینک، افرادی نظیر کاره دومالبر و هوریو، دولت- کشور را متشکل از سرزمین، جمعیت و قدرت سیاسی می‌دانند.

#### ب. سرزمین به مثابه موضوع قدرت سیاسی

هواداران این بینش در برداشت‌های خود دو جهت متمایز به خود گرفته اند:

- عده‌ای اعمال قدرت سیاسی در سرزمین را به مناسبت وجود حقوق واقعی مالکیت گرفته‌اند؛ یعنی رابطه دولت را با سرزمین، همانند رابطه ملک با مورد ملک تلقی نموده‌اند.
- برخی دیگر، اعمال این قدرت را ناشی از حقوق واقعی حاکمیت دانسته‌اند. به هر حال دولت- کشور می‌تواند مالک بخشی از سرزمین خود باشد؛ لیکن اقتداری را که بر تمام اقطار سرزمین کشوری اعمال می‌کند، بحث دیگری است. به عبارت دیگر، اقتدار دولت بر قسمت‌هایی از سرزمین نیز که در ید مالکیت او نیست، اعمال می‌شود؛ پس رابطه باید قاعدتاً ماهیت حاکمیت و نه مالکیت داشته باشد. (قاضی،

۱۳۹۸، ج ۱: ۲۱۲-۲۰۷)

#### ج. سرزمین به مثابه حد و مرز فرمانروایی

نظریه سرزمین- محدوده، واکنشی در مقابل نظریه قبلی است. بنابر این بینش، سرزمین تنها حوزه و چارچوبی است که در درون آن حق فرمانروایی دولت اعمال می‌گردد. بنا به گفته لتون دوگی، سرزمین محدوده مادی اعمال واقعی حکومت‌هاست.

### د. سرزمین به منزله میدان صلاحیت دولت

کلسن، وردروز، بورکن و شارل روسو از صاحب نظرانی هستند که سرزمین را جایگاه و میدان برد صلاحیت دولت می‌پندارند. سرزمین با این برداشت، قطعه‌ای از سطح زمین است که در درون آن نظام قاعده‌گزاری و اجرای حقوق مخصوصی قابل اجرا و اعمال است؛ چارچوبی که در درون آن اراده حاکم و اعمال حکومتی جریان می‌یابد.

### ۱۲. مشروعیت

مشروعیت<sup>۱</sup> در لغت به معنای «قانونی بودن» و «مطابق با قانون» آمده است و هر چند ریشه لغوی آن از «شرع» گرفته شده و با کلمه‌هایی همچون «شریعت» و «متشرعه» هم ریشه است؛ اما اختصاص به پیروان دین و شریعت نداشته و یک اصطلاح در فلسفه سیاست به شمار می‌رود. مشروعیت به «حقانیت» اشاره دارد و عبارت است از توجیه عقلانی اعمال حکومت از سوی حاکم و به عبارت دیگر، یک ویژگی در نظام حکومتی است که حاکم به مدد آن حکمرانی خویش را صحیح می‌داند و مردم تبعیت از حکومت را وظیفه خود می‌شمارند.

مشروعیت پاسخی به این پرسش‌ها است که چرا عده‌ای حق حکومت دارند و دیگران موظف به اطاعت از آنان هستند و حاکم برای نافذ بودن حکمش چه ویژگی‌ها و صلاحیت‌هایی را باید داشته باشد؟ این پرسش‌ها حاکی از آن است که در هر جامعه‌ای، بر مبنای باورهای رایج در آن جامعه تنها عده‌ای صلاحیت حکمرانی دارند و اگر قانونی را وضع و یا امر و نهی می‌کنند، ناشی از حقی است که دارند و تبعیت ملت نیز ناشی از اعتقادشان به صلاحیت و شأنیت اعمال حکمرانی آنان است.

### ۱۳. قدرت سیاسی

قدرت سیاسی<sup>۲</sup> از اساسی‌ترین شرایط موجودیت دولت-کشور است؛ چنان‌که می‌توان دولت-کشور را چنین تعریف کرد: سازمانی است واجد یک قدرت هنجاری که می‌تواند وسایل انحصاری

---

1. Legitimacy

2. Political Power



بکار گرفتن اجبار فیزیکی را به حق در اختیار داشته و بر گروه انسانی موجود در حد و مرز سرزمین خود اعمال کند. (قاضی، ۱۳۹۸، ج: ۱: ۲۱۲-۲۰۷)

قدرت به تعبیر آندره هوریو و لوسین سفز همان نیروی اراده‌ای است که نزد مسئولان فرمانروایی بر یک گروه انسانی وجود دارد و زمامداران حکومت به برکت آن می‌توانند از رهگذر صلاحیت بر تمامی قدرت‌های موجود بر جامعه تحمیل شوند؛ البته قدرت سیاسی دولتی از حیث برتری عملی وسایل مادی و معنوی از قبیل امکانات اقتصادی و تسلیحاتی و همچنین برخورداری از اطاعت مردم یا در مواردی از پشتیبانی مشروعیت آفرین افکار عمومی نسبت به سایر قدرت‌ها بلامعارض است.

قدرت سیاسی همراه با تشکیل جامعه از خلال روابط اجتماعی چهره می‌نماید و همراه با تحول و پیچیدگی جوامع به صورت عالی‌تر و سازمان یافته‌تری اعمال می‌شود.

قدرت قاعدتاً بر دوگونه عامل استوار است: اجبار و اعتقاد؛ البته در عمل، می‌توان اعتقاد را نیز به عنوان عامل اجبار بکار برد؛ چرا که عامل اجبار به تنهایی عمل نکرده و در بیشتر مواقع همراه و هم‌دوش با عامل اعتقاد بکار گرفته می‌شود. (قاضی، ۱۳۹۸، ج: ۱: ۲۱۲-۲۰۷)

اجبار یعنی هر گونه عامل بیرونی که از خارج بر فرد فشار می‌آورد تا از طبقه فرمانروا اطاعت کند. این اجبار غالباً جنبه مادی دارد. وجود پلیس، ارتش، دادگاه و مجازات از یک سو و فشار آداب و رسوم و عرف و سنت یا نیروی تبلیغات از سوی دیگر از مظاهر آن به شمار می‌روند.

اشکال گوناگون اجبار نیز عبارتند از:

- فشار اجتماعی شامل عوامل عقلانی و عوامل غیر عقلانی
- الزام مادی شامل اجبار فیزیکی، اجبار از راه جاذبه شخصی و اجبار اقتصادی
- تبلیغات یا الزام از راه اقتناع.

یکی دیگر از عوامل و سرچشمه‌های اطاعت شهروندان از قدرت مسلط، اعتقاد به نقش قدرت یا دارندگان قدرت است؛ شهروندی که درستی، صحت، حقانیت و خدمتگذاری اربابان قدرت را باور داشته باشد، به دستاوردها و مقررات و موازین وضع شده از سوی آنان و راه و روش‌های کارکرد هیئت حاکم، کم و بیش گردن می‌گذارد. (قاضی، ۱۳۹۸، ج: ۱: ۲۱۲-۲۰۷)

در ادامه و به اختصار مسئله در چهارچوب قدرت و اعتقاد بررسی می‌شود:

### أ. نظریه حاکمیت به مثابه زیربنای اعتقاد به قدرت

حاکمیت، قدرت برتر عالی فرماندهی در درون جامعه و قدرت استقلال و نفی وابستگی در بیرون آن است و تعلق به بالاترین مرجع اقتدار دارد. این مرجع یا ناشی از نیروی ماوراءالطبیعه است که از سوی بالاترین مراجع حاکمیت، طبق موازین و احکام شرع به مسئولان و مراتب پایین‌تر انتقال می‌یابد یا برآمده و برکشیده از درون قشرهای مردم است که با حرکتی از پایین به سوی بالا از قاعده هرم اجتماعی آغاز می‌گردد و تا رأس آن هرم صعود می‌کند.

در نخستین دید، حاکمیت جنبه نزولی و در دید دوم جنبه صعودی دارد. کلیت جامعه به هر کدام از این دو دکتترین است که می‌تواند برپایی، ایستایی و دوام قدرت را تضمین کند.

### ب. نظریات حاکمیت الهی

کهن‌ترین اعتقاد در باب سرچشمه قدرت، منشأ ماوراءالطبیعه دارد تا جایی که بوسه در سیاست برآمده از کتاب مقدس از آن به دفاع برخاسته است. بر اساس این مأخذ، قدرت فرمانروایان منبعث از خالق و آفریننده جهان هستی است و اراده ذات پروردگار در سپردن کار فرمانروایی و سرچشمه قدرت به فرد یا به گروه یا طبقه ویژه‌ای دخالت دارد. این همان نظریه‌ای است که در چهارچوب حقوق الهی به عنوان حاکمیت تئوکراتیک مشهور شده است.

حاکمیت تئوکراتیک در طول تاریخ، سه شکل متفاوت به خود گرفته است که به شرح زیر است:

- شکل انسان-خدایی؛ در این برداشت، فرمانروا، ادعای ماهیتی الهی دارد. لباس انسانی پوشیده و بر پهنه زمین نزول کرده است تا سرنوشت خلائق و حیات و ممات آنها را در ید قدرت خود گیرد و آنان را طبق میل و دلخواه خود هدایت کند. این‌گونه فرمانروایان از سوی خداوند نیامده‌اند؛ بلکه خود خداگونه، تجسد یافته و مادیت را پذیرفته‌اند و مستقیماً سررشته فرمانروایی و قدرت را به دست می‌گیرد.
- شکل رسالت؛ انبیاء از سوی خداوند مأموریت دارند که قواعد و نظامات الهی را به افراد بشر منتقل کنند و گمراهان و مشرکان و کافران را به راه حق و راستی و صلاح و سعادت

دنیایی و عقبایی راهنمایی نمایند. تمامی فرستادگان خدا و پیامبران مرسل با قواعد و قوانینی که برای بشر به ارمغان آورده‌اند، در این گروه جای می‌گیرند.

● مشیت الهی؛ از حدود قرون وسطی این اندیشه بال و پر می‌گیرد که فرمانروایان به مقضای مشیت ذات واجب الوجود و قضا و قدر در رأس کارها قرار می‌گیرند. پروردگار عالم آنها را مستقیماً تعیین نمی‌کند؛ بلکه چون تمامی قدرت‌ها از آن خداست، سرنوشت انسان‌ها و حکومت بر آنها را در اختیار فرد یا افراد خاصی قرار می‌دهد. (قاضی، ۱۳۹۸)

#### ی. دولت-کشور تک ساخت

این عنوان به دولت-کشورهای اطلاق می‌شود که دارای یک مرکز واحد عملکرد سیاسی هستند. قدرت سیاسی در کلیت و مجموع اختیارات و وظایف خویش توسط یک شخصیت واحد حقوقی که همانا دولت-کشور بسیط است، اعمال می‌شود. تمامی افرادی که زیر لوای دولت یکپارچه قرار دارند، از یک اقتدار سیاسی تبعیت کرده و قاعدتاً یک قانون اساسی در سراسر این قلمرو برآنان حکم می‌راند. بافت قدرت، غیر قابل تفکیک و تجزیه‌ناپذیر است. به نوشته آندره هوریو دولت‌های بسیط مجموعه‌ای دولتی هستند و به قسمت‌هایی بخش نشده‌اند که بتوان بدان‌ها جداگانه نام دولت داد.

بنابراین، گرایش کلی در درجه اول به سوی وحدت و هم‌گونگی است. سیر به سوی تمرکزطلبی و یکپارچه‌سازی در همان آغاز تولد دولت به چشم می‌خورد؛ یعنی ابتدا یک مرکز جاذبه قدرت پدید می‌آید و سپس این مرکز دست به جذب و هضم تمامی مراکز دیگر می‌زند. ظهور دولت-کشورها از بطن نظام‌های ملوک الطوائفی مقارن با از بین رفتن مراکز تصمیم‌گیری متعدد و قدرت‌های جزئی سیاسی پدیدار شده است. دولت-کشور ساده یا یکپارچه، مولود چنین سیر تکاملی است؛ لذا این شکل دولت از دوران‌های گذشته تا زمان حاضر رایج‌ترین نوع بوده است. (قاضی، ۱۳۹۸)

## معرفی و نقد منابع و تحقیقات گذشته

### ۱. منابع داخلی

- «تاریخ جهان آرا»، قاضی قزوین (۱۳۹۶)، فقیه و مورخ و شاعر ایرانی است که خانواده‌اش ابتدا در ساوه سکونت داشته و سپس مقیم قزوین شده‌اند. این کتاب به نام شاه طهماسب صفوی و به زبان فارسی تألیف شده است. این کتاب که تاریخی عمومی و حاوی رویدادهای تاریخی تا سال ۹۷۲ هجری قمری است، به لحاظ دربرداشتن حوادث تاریخی قرن دهم هجری به ویژه تاریخ نواحی مختلف ایران، یکی از منابع سودمند است. محتوای کتاب در سه قسمت است: شرح زندگانی پیامبر و دوازده امام شیعیان، مطالبی در ارتباط با تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام و تاریخ صفویه.
- «احسن التواریخ»، روملو (۱۳۸۴)؛ دو جلد موجود از ۱۲ جلد این کتاب، تاریخ ارزنده‌ای بر اساس وقایع سال به سال حوادث تاریخی ایران و کشورهای هند و عثمانی همراه با شرح حال دانشمندان، بزرگان، شاعران، وزیران و سال وفات ایشان است. جلد یازدهم از سال ۸۰۷ هجری قمری مصادف با آغاز سلطنت شاهرخ پسر تیمور آغاز شده و تا طلوع دولت قراقویونلو و آق قویونلو و ذکر پادشاهان این دو سلسله ترکمان ادامه دارد. جلد دوازدهم نیز از آغاز روی کار آمدن صفویه و با ذکر پادشاهی سلاطین اولیه تا آغاز سلطنت شاه محمد خدابنده ادامه دارد. به نظر می‌رسد که مؤلف از هواخواهان شاه اسماعیل دوم بوده که به دست عمال شاه جدید کشته شده و کتاب به همین جهت ناتمام مانده است. مؤلف در آن زمان در دستگاه سلطنتی، سمت قورچی داشته و در نیمه دهه پنجم زندگانی خود بوده است؛ چرا که در حوادث سال ۹۳۷ هجری قمری به تولد خویش در این سال تصریح کرده است.
- «عالم آرای صفوی»، به کوشش شکری (۱۳۶۳)؛ در این کتاب هر چند اشاراتی درباره سلسله نسب شاه اسماعیل از شیخ صفی، خوانین ترکستان سلاطین تیموری و عثمانی آمده است، اما قسمت اعظم آن درباره روی کارآمدن شاه اسماعیل و شرح دلاوری‌ها و فتوحات اوست؛ اما نه به صورت دقیق تاریخی، بلکه بیشتر به شیوه داستان‌سرایی و قصه‌گویی با عبارات عامیانه و مطالبی کم و بیش مغلوط و ناشی از اشتباه در مسائل

تاریخی است. به نظر می‌رسد این کتاب نسخه نقلی بوده و بر اساس تاریخ خاندان شیخ صفی که به حدس درست مصحح کتاب یکی از عوام شیعه با شاخ و برگ‌های فراوان و لاف و گزاف‌های یک ارادتمند معتقد و دوستدار ولی کم اطلاع و کم سواد آن را فراهم آورده و این احتمال وجود دارد که کتاب به قصد نقلی و قصه‌گویی در قهوه‌خانه تهیه شده باشد. از نام مؤلف و نویسنده نسخه اطلاعی در دست نیست؛ لیکن مشخص است که کتاب در سال ۱۰۸۶ هجری قمری که سال دهم سلطنت شاه سلیمان و در آغاز پنجاه سال پایانی سلسله صفویه است، تألیف شده است.

- «تاریخ عالم آرای امینی»، روزبهان بن خنجی (۱۳۷۹): از منابع تاریخی دست اول حکومت ترکمانان آق‌قویونلو به ویژه زمان حکومت سلطان یعقوب، فرزند اوزون حسن و اوایل به قدرت رسیدن صفویان به ویژه اقدامات شیخ جنید، شیخ حیدر و شاه اسماعیل و حوادث دوران آنها به شمار می‌آید. مخالفت و کینه مؤلف کتاب نسبت به دودمان صفوی، مشهور بوده و در مطالب کتاب مشهود است. مهم‌ترین مباحث و موضوعات تاریخی کتاب عبارتند از اوزون حسن و خصوصیات او، اختلافات پس از مرگ او بر سر جانشینی، چگونگی به قدرت رسیدن سلطان خلیل فرزند و جانشین اوزون حسن و اقدامات وی برای استحکام سلطنت خویش، مبارزات سلطان یعقوب برادر سلطان خلیل و فرزند سوم اوزون حسن برای دستیابی به قدرت، اوضاع سیاسی و اجتماعی مناطق تحت حکومت سلطان یعقوب، فتوحات او و نحوه اداره قلمرو حکومت سلطان یعقوب و سرکشی‌های زمان وی و سرکوبی مخالفان از سوی او به شکل مفصل و مشروح شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بازماندگان او، شرح مبارزات شیخ جنید و شیخ حیدر برای کسب قدرت سیاسی و نظامی، قدرت و نفوذ اخلاقی شیخ جنید و شیخ حیدر در مریدان خویش و وصلت این دو با خانواده اوزون حسن، جنگ‌های آنان با شروانشاهان، حمایت سلطان یعقوب از شروانشاهان و کشته شدن شیخ جنید و شیخ حیدر. همچنین این اثر راهنمای ارزشمندی برای شناخت طبقات اجتماعی، مناصب و مشاغل دیوانی و اقوام آن روزگار به شمار می‌آید.

- «خلاصة التواريخ»، قاضی قمی (۱۳۸۳)؛ مورخ قرن دهم هجری که به ادعای خود، تاریخ عالم را از هبوط آدم تا روزگار صفویه نوشته است، لیکن چهار جلد نخست این اثر هنوز در هیچ کتابخانه‌ای یافت نشده و تنها قسمت پنجم آن که تاریخ صفویه است، بر جای مانده است. پدر قاضی احمد، شرف‌الدین حسینی از منشیان دستگاه دولت شاه طهماسب بوده و از پادشاه عنوان میرمنشی دریافت نمود و هنگامی که سام میرزا به حکومت هرات معین شد، شرف‌الدین به سمت منشی او منصوب گردید. قاضی احمد در سال ۹۷۴ هجری قمری با پدر خود در نوشتن جواب نامه پادشاه عثمانی شرکت کرد که کار مشترک او و پدرش مورد توجه قرار گرفت و بعد از مرگ شاه طهماسب، جانشینش، شاه اسماعیل دوم، او را مأمور نوشتن تاریخ صفویه کرد و چون او مرد، خود این کار را دنبال نمود. وی ضمن خدمات اداری مشاغل مختلفی چون ممیزی بلوکات ورامین و استیفای دفتر شرعیات یا وزارت دیوان الصداره یافت و بسیاری از حوادث را به چشم خود دید. نثر «خلاصة التواريخ» پخته، روان و نسبتاً ساده است و وقایع تاریخی را تا سال ۱۰۱۵ هجری قمری شامل می‌شود.

- «تاریخ اجتماعی ایران: از آغاز تا مشروطیت»، نوذری (۱۳۹۴)؛ نویسنده سعی نموده است در جلد اول کتاب با بهره‌گیری از منابع مختلف اعم از دست اول و غیره در چارچوب عمل انسان‌ها و روابطی که آنان با طبیعت و بین خود به منظور ارضای نیازهای زندگی ایجاد کرده‌اند را روشن سازد و در این راستا، انگیزه‌های انسانی و نتایج اعمال آنان که همواره مستلزم توجه به وابستگی متقابل روابط اجتماعی است و قوانینی که به دگرگونی‌های تاریخی نظم می‌بخشد و از خلال این روابط مشخص و روشن می‌شوند را مورد بحث قرار دهد. نویسنده همه دوره‌های تاریخی از زرتشتیان و هخامنشیان گرفته تا دوره قاجاریه را مورد بررسی قرار داده است. همچنین در این کتاب راجع به زمینه ظهور خاندان صفوی و نحوه تشکیل این دولت بحث‌های مفصلی داشته است.

- «تمدن ایران در دوره صفویه»، نوروزی (۱۳۹۱)؛ موضوعات این کتاب عبارتند از فراز و فرود صفویان، ساختار جامعه، سازمان اداری و مشاغل، اداره ولایت‌ها، دخل و خرج، سپاه، بازرگانی، راه و چاپار، کشاورزی، دین و مذهب، علم و اندیشه، هنر، صنعت و معماری.

## ۲. منابع خارجی

- «نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی»، سومر (۱۹۷۳ میلادی)؛ نویسنده، استاد تاریخ در دانشگاه استانبول است که یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران تاریخ و فرهنگ ترکان آسیای صغیر به شمار می‌رود. کتاب حاضر، ثمره سالیانی دراز مطالعه و تحقیق مؤلف در تاریخ اجتماعی ایلات و عشایر ترک آناتولی است. وی کوشیده است نقش این عشایر را در قرن شانزدهم میلادی مصادف با دهم هجری قمری در تشکیل دولت صفوی و توسعه آن نشان دهد و اگر از پاره‌ای موارد تعصب آلود این تحقیق صرف نظر شود، کمتر اثری یافت می‌شود که با این وسعت و دقت از ترکان آناتولی که در آستانه تشکیل دولت صفوی و پس از آن به ایران مهاجرت کردند، سخن گفته باشد. این کتاب شامل مقدمه و چهار بخش است: دوران شاه اسماعیل اول، دوران شاه طهماسب، دوران شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده، دوران شاه عباس اول. در این کتاب برای جدا کردن سایر جمعیت‌های شیعی از عناصر تشکیل دهنده دولت صفوی، در بسیاری از موارد به آن‌ها لقب قزلباش داده شده است.
- «تاریخ ایران: دوره صفویان»؛ از تولیدات دانشگاه کمبریج به ترجمه آژند؛ این کتاب از منابع مهم کارشناسی ارشد و دکتری رشته تاریخ ایران در دوره صفویان است که ترجمه فارسی بخش صفویان از مجموعه هفت جلدی تاریخ ایران به شمار می‌رود. کتاب از ۱۲ فصل تشکیل شده که هر فصل به قلم یکی از صاحب‌نظران و متخصصان تاریخ صفویه نوشته شده است. مطالب با بررسی زمینه‌های پیدایش و ظهور سلسله صفویان در ایران و تشریح نظام تشکیلاتی آن آغاز گردیده که ضمن واکاوی علل و چگونگی آغاز تماس ایرانیان با اروپاییان، به مطالعه و تحقیق در زمینه تجارت، علوم، مذهب، فعالیت‌های فکری، فلسفی و کلامی، نساجی، معماری و ادبیات ایران در این دوران پرداخته است. کتاب با عکس‌هایی از آثار هنری، معماری، مینیاتور و همچنین کتابشناسی و فهرست اعلام به پایان رسیده است.

- «سفرنامه شاردن»، ژان شاردن (۱۳۹۳)؛ سیاح معروف فرانسوی است که پدرش جواهرفروش بود. او در مسافرت‌های ممتد به ایران، زبان فارسی را فرا گرفت و شاه عباس دوم از او حمایت کرد. وی همچنان در مدت اقامت خود در ایران اوضاع سیاسی، اجتماعی و نظامی را به طرز دقیقی مطالعه کرد و به یاری نقاشی به نام گولو که همراه او بود، تصاویر نفیسی از بناهای تاریخی و لباس‌های آن زمان تهیه دید و سرانجام در سال ۱۶۷۰ میلادی با مجموعه گرانبهایی به فرانسه بازگشت و کتاب تاجگذاری شاه سلیمان صفوی را منتشر کرد. او بار دیگر در سال ۱۶۷۳ میلادی به اصفهان بازگشت و پس از چهار سال اقامت در ایران عازم هندوستان شد و سپس از طریق دماغه امیدنیک به اروپا رفت. در این زمان به دلیل آزار و اذیت لویی چهاردهم نسبت به پیروان مذهب پروتستان، شاردن فرانسه را ترک گفت و به انگلستان رفت و بقیه عمر خود را در آنجا گذراند. وی در این مدت به تدوین یادداشت‌های سیاحت‌های خود پرداخت و چون به خط و زبان فارسی آشنا بود در تنظیم مطالب سیاحت‌نامه‌اش از متون کتاب‌های خطی بسیاری استفاده کرد و این یکی از امتیازات برجسته سیاحت‌نامه اوست. عیبی که بر سیاحت‌نامه مفصل شاردن گرفته‌اند این است که وی با وجود دانستن زبان فارسی و ترکی که در آن روزگاران در بعضی از شهرهای ایران رایج بود، به سبب همنشینی و همصحبتی با بزرگان، اشراف‌زادگان و درباریان در اعماق اجتماع ایران نفوذ نکرده است. در سال ۱۶۸۶ میلادی، جلد اول سیاحت‌نامه وی در لندن چاپ و منتشر شد و دوره کامل آن نیز برای اولین بار در سال ۱۷۱۱ میلادی با عنوان سیاحت‌نامه شوالیه شاردن در ایران و هند شرقی در آمستردام به چاپ رسید. از میان سیاحت‌نامه‌هایی که به ایران آمده‌اند، کسی که توانسته جامع‌ترین شرح را درباره اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران بنویسد، بدون تردید شاردن است و هیچ‌کدام از سیاحت‌اروپایی به اندازه شاردن، ملل مغرب زمین را با تمدن و فرهنگ ایران دوره صفویه آشنا نساخته‌اند. سفرنامه شاردن در شمار مفصل‌ترین و بهترین سیاحت‌نامه‌هاست و از مفیدترین منابع تاریخ عصر صفویه به حساب می‌آید.

- «سفرنامه‌های ونیزیان در ایران»، زنو (۱۳۸۱)؛ مشتمل بر شش سفرنامه است که پنج مورد آن را چهار تن از سفیران ونیزی و یک مورد نیز توسط یکی از بازرگانان گمنام از



مردم همان دیار نوشته شده است. این عده در فاصله سال‌های سلطنت اوزون حسن بنیانگذار دودمان آق قویونلو و شاه طهماسب دومین شهریار سلسله صفوی به ایران آمده‌اند. مأموریت اصلی سفیران آن بوده است که ایران را به جنگ با عثمانی برانگیخته و مانع توسعه و بسط نفوذ ترکان عثمانی در اروپا شوند. گزارش‌های این گروه شرح کاملی از دربار شاه طهماسب اول است. آنها در گزارش‌های خود اطلاعات جالبی درباره نواحی و ممالک ایران، محصولات، خلق و خوی مردم و شخص شاه، وضع حکومت و دربار، چگونگی عادات، آداب و رسوم حاکم بر ایران، شیوه اداره دستگاه دادگستری و حکومت ایران در اختیار می‌گذارند.

- «تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی»، سیوری (۱۳۸۲)؛ این اثر حاوی ۱۶ مقاله از ایران‌شناس و به خصوص صفویه‌شناس برجسته معاصر است که مؤلف در طول دوره تحقیق و مطالعات خود فراهم آورده و در کنفرانس‌های علمی ارائه داده است. مؤلف با تسلط کافی بر زبان فارسی از منابع اصلی تاریخ صفوی بهره کافی برده است. در این اثر نسبت به تاریخ ایران عصر صفوی، مطالب به ایجاز و اختصار آورده شده؛ لیکن با توجه به اینکه در برخی موارد مطالب مندرج در کتاب قبلی نیاز به تشریح و تفصیل بیشتری داشت، این اثر این نیاز را برآورده ساخته است. از این منبع در تهیه جغرافیای مذهبی و شکل‌بندی مطالب فصل دوم تحقیق استفاده شده است.

- «ایران عصر صفوی»، سیوری (۱۳۷۸)؛ استاد بازنشسته بازنشسته دانشگاه تورنتو است و زمینه کاری او ایران‌شناسی به ویژه دوران صفویه است و کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته است. آنچه در این کتاب ذهن نویسنده را به خود مشغول داشته است، این است که طریقت‌های صوفی‌گری چگونه به وجود آمدند، چرا این همه گسترش یافتند و چگونه طریقت صوفیه توانسته بود پیروان زیادی حتی فراتر از مرزهای ایران به دست آورد. این کتاب شامل ۱۰ فصل است که در آن راجع به دین‌سالاری، سلطنت شاه اسماعیل اول، اختلافات داخلی و دشمنان خارجی، روابط با غرب، شکوفایی هنر در این دوران، ساختار اجتماعی و اقتصادی دولت صفوی و حیات فکری آن دوران تا زوال و سقوط

صفویه بحث شده است. مهم‌ترین منبع در مورد تاریخ صفویه به نظر سیوری، کتاب «شاه عباس کبیر» اثر اسکندر بیک منشی، تاریخ‌نگار صفوی است. این اثر که نوعی «تاریخ عمومی صفویه» یا «کلیات صفوی» است، نزد خوانندگان مقطع تاریخی صفویه جایگاهی ویژه دارد و این امر را البته که ترجمه آن نیز مضاعف کرده است. این اثر به دلیل پرداختن به مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و تجاری حائز اهمیت بوده و از آن جایی که اکثر منابع مورد استفاده مؤلف، منابع یا مآخذی غربی می‌باشند، می‌توان گفت مؤلف، تاریخ صفویه را از دیدگاه غریبان نگاشته است؛ هرچند که مورخین غربی نیز از منابع پارسی سود جست‌ه‌اند، ولی باید گفت که بازساخت آن منابع پارسی به سبکی غربی صورت گرفته است؛ پس این اثر، تاریخ صفویه از زاویه دید اروپاییان است.

- «پیدایش دولت صفوی»، مزاوی؛ این کتاب تاریخی به عوامل و زمینه‌های پیدایش سلسله صفوی می‌پردازد و شامل پنج فصل بوده که گذری تاریخی بر دوره ایلخانان، تشیع در عهد مغول و طریقت صوفی‌گری در اردبیل دارد.

### نتیجه‌گیری

در اوایل سده قرن دهم هجری قمری، خاندان صفوی با تکیه بر مذهب شیعه اقدام به تشکیل یک کشور مستقل شیعه و ایرانی نموده و به تقابل با دو حکومت سنی مذهب در دو سوی خود که عثمانی و ازبک بود، پرداختند. صفویان از آن‌جا که خود را فرستاده از طرف خداوند می‌دانستند، برای رسیدن به مقصود خود تلاش کردند. گروهی از علما نیز که با به وجود آمدن این دولت بارقه امید برای رسیدن به مقصود و تثبیت موقعیت شیعه در ایران مشاهده می‌کردند، مشروعیتی که حکومت تنها به برکت آن می‌توانست پابرجا باشد، به یاری این حکومت پرداختند، صفویان نیز تنها بر اساس برداشت خود از دین و مذهب عمل نمودند. آنان با بهره گرفتن از تجربیات فراوانی که توسط نهضت‌های شیعی قبل فراهم گردیده بود، توانستند به راحتی به اهداف خود دست یابند.

گرایش صفویان به تشیع و سپس اعلام رسمیت آن به عنوان مذهب حاکمیت بر ایران از انگیزه‌های سیاسی آغاز و به بسترهای اعتقادی کشیده شد. نتیجه آن‌که بین صفویه و تشیع یک نظام تأثیرگذاری متقابل و نوعی همزیستی برقرار بوده است.

### فهرست منابع

۱. آقابخشی، علی. و مینو افشاری راد (۱۳۸۷). فرهنگ علوم سیاسی. چاپ ۲. تهران: انتشارات چاپار.
۲. امینی (خنجی)، ابوالخیر فضل‌الدین روزبهان (۱۳۷۹). تاریخ عالم آرای امینی. تهران: انتشارات خانواده.
۳. به کوشش شکری، یدالله (۱۳۶۳). عالم آرای صفوی. تهران: انتشارات اطلاعات.
۴. تاریخ ایران: دوره صفویان (۱۳۸۷). ترجمه یعقوب آژند. پژوهش از دانشگاه کمبریج. تهران: نشر جامی.
۵. روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). احسن التواریخ. ترجمه عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات اساطیر.
۶. زنو، کاترینو (۱۳۸۱). سفرنامه‌های ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری. چاپ ۲. تهران: انتشارات خوارزمی.
۷. سومر، فاروق (۱۳۷۲). نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی. ترجمه محمدتقی امامی و احسان اشراقی. تهران: انتشارات گسترده.
۸. سیوری، راجر مروین (۱۳۸۲). تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی (مجموعه مقالات). ترجمه عباسقلی غفاری فرد و محمدباقر آرام. چاپ ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. سیوری، راجر مروین (۱۳۷۸). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. چاپ ۷. تهران: نشر مرکز.
۱۰. شاردن، ژان (۱۳۹۳). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. چاپ ۲. تهران: انتشارات توس.

۱۱. قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۹۸). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. چاپ ۱۵. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. قمی، قاضی احمد بن حسین (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ. چاپ ۲. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. غفاری قزوینی (قاضی قزوین)، احمد بن محمد (۱۳۹۶). تاریخ جهان آرا. ترجمه عبدالکریم جربزه‌دار. تهران: انتشارات اساطیر.
۱۴. مزاوی، میشل (۱۳۶۹). پیدایش دولت صفوی. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات گسترده.
۱۵. نوروزی، جمشید (۱۳۹۱). تمدن ایران در دوره صفویه. چاپ ۳. تهران: انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۱۶. نوذری، عزت‌الله (۱۳۹۴). تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت. چاپ ۴. تهران: انتشارات خجسته.